

پیشگفتار

آنچه به عنوان اقتصاد اسلامی مطرح و در حال توسعه است نسبت به بسیاری از معارف و علوم بشری سابقه و عمر کمی دارد که در خوش‌بینانه‌ترین برآوردها سابقه آن را می‌توان نیم قرن دانست. البته در دین مبین اسلام و به خصوص در مباحث فقهی آن در خصوص برخی عبادات و عقود و ایقاعات مطالب بسیاری از جمله زکات، خمس، مضاربه، مزارعه، جعاله، شفعه، احیای موات و ... آمده است که اتفاقاً در خصوص آنها مطالعات و مباحثات بسیاری وجود دارد، لیکن این موارد مقدمتاً تحت عنوان اقتصاد مطرح نشد یا اگر هم مطرح شده باشد به لحاظ قرابت با آنچه اصطلاحاً به اقتصاد مشهور شده متفاوت است؛ اما در پنج دهه اخیر کتب و مقالات و رساله‌هایی درباره اقتصاد اسلامی نوشته شده است که تعداد آنها قابل ملاحظه است و جالب اینجاست که تعدادی از این مکتوبات محصول مطالعات سامان‌دهی شده برخی از سازمانهای پژوهشی هستند که بیانگر تلاش برای بالابردن کیفیت این مکتوبات است. امروز در خصوص اقتصاد اسلامی علاوه بر کتابها و مؤسسات پژوهشی مجلاتی با درجه علمی پژوهشی منتشر می‌شود و تعداد قابل اعتنایی از دانشجویان دوره‌های دکتری علوم اقتصادی و همچنین مقطع کارشناسی ارشد، رساله‌ها و پایان‌نامه‌هایشان را در این زمینه می‌نویسند. همچنین سایتهای بسیاری در فضای مجازی وجود دارد که از اقتصاد اسلامی و ترویج علایق مرتبط با آن حکایت دارند.

هرچند مجموعه آنچه به آن اشاره شد می‌تواند نویدبخش علاقه‌مندان به اقتصاد اسلامی برای مواجهه بودن با فضایی امیدوار و رو به رونق در این باب باشد لیکن آنچه از ماهیت مطالعات اقتصاد اسلامی برمی‌آید آن است که به رغم گذار

پنجاه ساله‌ای که در این ارتباط وجود دارد هنوز هم بسیاری از امهات و حتی اولیه‌ها در اقتصاد اسلامی مورد وفاق بین علما و دانشمندان نیست و ضرورت دارد که در خصوص آنها پژوهش و تأمل شده تا با وضوح و روشنی حاصل از مطالعات و تحقیقات تسریع در روند امور ایجاد شود؛ برای مثال در مذاکرات خصوصی یا در عرصه اجتماعات گروهی، با علاقه‌مندانی به اقتصاد اسلامی مواجه می‌شویم که در علمی بودن یا نبودن، علم بودن یا مکتب بودن آن یا در ماهیت مکتب یا نظام بودن آن پرسش دارند و از فحوای کلام و مکتوب آنان این دغدغه و نگرانی استنباط می‌شود که نکند با مطرح شدن مباحثی در اقتصاد اسلامی، مطرح کنندگان نتوانند مطالب مطروحه را در مواجهه با محتوای تئوریک دانش اقتصاد مقایسه و برتریهای آن را اثبات کنند و در نتیجه این عجز، به اسلام لطمه وارد شود. البته در ذهنیتهای دیگری این مفاهیم نیز مطرح است که اصولاً علم اقتصاد جهان‌شمول است و دلیلی ندارد و اصولاً نیازی هم نیست که ما از اسلام که برای آبادانی آخرت انسان مأموریت دارد توقع داشته باشیم که در خصوص اقتصاد که مقوله‌ای فنی و مهندسی است و با ادبیات حداقل دویست ساله غنی‌ای پشتیبانی می‌شود اظهار نظر نماید. از سوی دیگر علاقه‌مندانی با رویکردی متفاوت وجود دارند که معتقدند اقتصاد اسلامی قابلیت‌های لازم را برای مطرح شدن و جایگزینی برخی از دروس متعارف اقتصاد دارد که می‌تواند در قالب مجموعه دروسی که حتی محتوای آن به لحاظ کمی تشکیل یک دوره کارشناسی یا کارشناسی ارشد اقتصاد را دربر می‌گیرد مطرح و اجرایی شود. به عبارت دیگر قائلین به وجود و قابلیت‌های معارف اقتصاد اسلامی طیفی از تمایلات را به لحاظ شدت و ضعف تشکیل می‌دهند که نمی‌توان نسبت به استدلال‌ات و مخالفتهای آنان بی‌عنایت بود.

صرف نظر از اینکه در محیط‌های آموزشی و برنامه‌ریزی درسی در خصوص این رویکردهای جدی به آموزش اقتصاد اسلامی چه می‌گذرد، آنچه قابل اعتنا می‌باشد آن است که هر فرد حقیقی یا در مواردی حقوقی که در خصوص اقتصاد اسلامی سخن می‌گوید یا استدلال می‌نماید و یا مکتوباتی تدارک می‌بیند در واقع

ذهنیت و یافته‌های علمی خود را ترویج می‌کند و به عرصه بررسی و نقد می‌گذارد و به همین دلیل هم می‌توانیم در مجموعه ادبیات موجود با تلقیها و رویکردهای متفاوتی نسبت به ماهیت و چیستی موضوعات، سیاستها و دغدغه‌های اقتصاد اسلامی مواجه شویم و این برای شرایط حاکم بر اقتصاد اسلامی طبیعی است زیرا در دوران تکوین و تکاملی خود به سر می‌برد.

آنچه در گزاره اخیر آمد اگر در مراحل پژوهش و تحقیقاتی قرار داشته باشد، به لحاظ اجرایی هم دغدغه و نگرانی ایجاد نمی‌کند، زیرا اصولاً اجرایی نمی‌شود لیکن هنگامی که می‌خواهیم تحت عنوان اقتصاد اسلامی آموزش بدهیم آنگاه این مسئله مطرح می‌شود که کدام برداشتها یا یافته‌های تحقیقی را در اختیار دانشجویان قرار بدهیم. حتی در این مرحله هم متناسب با مقاطع تحصیلی کار از سهولت به صعوبت می‌کشد؛ یعنی در حالی که در دوره کارشناسی به معنای واقعی بیان مطالبی تحت عنوان اقتصاد اسلامی - در صورتی که وفاق حداقلی بر آنها نباشد - کار مشکلی است در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری یا در حوزه‌های علمیه برای آنان که دروس خارج را می‌گذرانند موضوع از صعوبت مقاطع پایین‌تر تحصیلی برخوردار نیست. به هر حال، بر آن هستیم که دانشجویانی را تربیت کنیم که تلقی نسبتاً مشترکی از مسائل و ماهیت و موضوعات اقتصاد اسلامی داشته باشند. وقتی در آن مسائل و موارد اختلافات غیر قابل عینی محض وجود داشته باشد بدیهی است که به لحاظ ترویج مطالب آموزشی با محدودیت و تنگنا مواجه می‌شویم.

شاید ذکر برخی از مطالب به گونه‌ای ملموس‌تر و عینی‌تر در این ارتباط بی‌فایده نباشد. تحقیق در اقتصاد اسلامی موجباتی را سبب شده است که به موجب آن عده‌ای از دانشمندان و اقتصاددانان علاقه‌مند شده‌اند در خصوص مطرح‌ترین نظریه‌های رایج در اقتصاد نظیر نظریه رفتار مصرف‌کننده یا نظریه بنگاه و ... از زاویه دین اسلام مطالبی را بنویسند. حاصل کوششهای ارزشمند صاحبان این رویکرد ما را با مجموعه‌ای از ادبیات در اقتصاد خرد یا اقتصاد کلان و ... مواجه کرده است که با نظریه‌های متعارف در علم اقتصاد به بررسی و تحلیل مفاهیم و ایده‌ها یا فعالیتهای

مذهبی (همچون فعالیت وقف) پرداخته‌اند؛ یعنی مبانی تئوریک و حتی در مواردی قالبهای نظری مورد استفاده در خدمت تحلیل مفاهیم و باورها و ایده‌های مذهبی به کار گرفته شده است. از سوی دیگر گروهی از محققان و اساتید اقتصاد اسلامی با باور به اینکه اقتصاد اسلامی علم به معنای متعارف کلمه (علم تجربی) نیست بر آن هستند که اسلام مکتبی است که به انسان کمک می‌کند چگونه به اهداف انسانی خودش همچون عدالت دست یابد و اقتصاد اسلامی در واقع مجموعه تمهیدات و تدابیری است که اقتصاددانان یا حتی سیاست‌گذاران اتخاذ می‌کنند تا شرایط نامساعد را به مساعد تبدیل کنند و امکانات و ابزارهای لازم را برای زندگی انسانی در اختیار همگان قرار دهند. اینان در واقع اقتصاد اسلامی را مجموعه‌ای از سیاستهای اقتصادی تلقی می‌کنند. اقتصاددانان دیگری هستند که بر آن‌اند اقتصاد اسلامی در حقیقت همان نظام اقتصادی اسلام است و چون نظام اقتصادی را به منزله سازوکارهای مدیریت اقتصاد تعریف می‌کنند تلاش کرده‌اند تا در قالب ادبیات رایج روح (انگیزه)، شکل و محتوای نظام اقتصادی اسلام را تبیین و معرفی کنند.

کم نیستند اقتصاددانان و محققانی که اقتصاد اسلامی را در مباحث پول و بانک و همچنین ربا و بهره مورد مطالعه قرار داده‌اند و حجم مطالعات منتشر شده آنان به اندازه‌ای است که برای کمتر آشنایان به این حوزه معرفتی القای این شبهه را کرده‌اند که اقتصاد اسلامی همان بانکداری اسلامی است و این دو به لحاظ مضمون مترادف هم قلمداد می‌شوند. بدیهی است که انتظار داشته باشیم که این مجموعه از دانشمندان هم در مباحث مربوط به پول، بانک، ربا، بهره، سود، نسیه‌فروشی و ... مکتوبات و دیدگاههای متفاوت از هم ارائه کرده‌اند و از طریق آنها ادبیات موجود را تقویت کرده و ارتقا بخشیده‌اند.

به تدریج که در زمان به جلو می‌آییم ظهور توأم با برکت علایق دیگری را در اقتصاد اسلامی مشاهده می‌کنیم که در عرصه‌های توسعه اقتصادی و ارتباط آن با دین تحقیق کرده یا در خصوص ارتباط بین اقتصاد و اخلاق بحث می‌کنند. روش‌شناسی اقتصاد اسلامی و تلاش برای تعیین رویکردها در ادراک ماهیت و

چیستی اقتصاد از جمله تلاشهای متأخر در ادبیات اقتصاد اسلامی است که انصافاً نویددهنده آینده پررونق تر علمی برای این شاخه از معارف مورد نظر اسلام و پراهمیت در زندگی انسان است.

کنکاش در ادبیات موجود ما را با واقعیت مفصل تری نسبت به برخی از شاخه‌های مذکور مواجه می‌سازد و آن هم ادبیات تولیدشده درباره اقتصاد بخش عمومی - مالیه عمومی و کالاهای عمومی و اصولاً دولت و نقش و اهمیت آن در اقتصاد است. در خصوص خمس و زکات هم تحت عنوان مالیاتهای اسلامی مطالب زیادی نوشته شده است و با استفاده از الگوهای ریاضی به تخمین حجم مبالغی که از دریافت احتمالی و کامل خمس و زکات متوجه حاکمیت اسلامی می‌شود پرداخته شده است. بدیهی است علاوه بر محورهای مطروحه که در حول و حوش خود تدوین و تحقیق مطالب بسیاری را موجب شده‌اند در عرصه‌های دیگری همچون محیط زیست یا حقوق مالکیت و اقتصاد و حقوق و ... هم علاقه‌مندان به اقتصاد در حال بررسی و تتبع هستند به نحوی که این امیدواری وجود دارد طی ده سال آینده محورهای مشخص تری را از نتایج مطالعات آنها به طبقه‌بندیهای فوق بیفزاییم.

حسن سبحانی

مقدمه

این کتاب لزوماً دربردارنده همه موضوعاتی که تاکنون تحت عنوان «اقتصاد اسلامی» منتشر شده نیست بلکه صرفاً حاوی موضوعات و مکتوبات منتخبی است که در حوزه و قلمرو اقتصاد و اسلام مورد پژوهش قرار گرفته و بیانگر ظرفیت و قابلیت فراوان اقتصاد اسلامی برای مطالعه و تأمل و کنکاشهای دقیق معطوف به موضوعات اقتصادی است.

بدون تردید، همان‌طور که محتوای مطالب مطرح شده در این کتاب نیز نشان می‌دهند امروزه اقتصاد اسلامی در مباحثی همچون روش‌شناسی، ماهیت و چیستی اقتصاد، نظام اقتصادی، توسعه و اسلام، اخلاق و دین، بهره، پول و بانک، و بالاخره مالیه و تأثیرات تأمین اجتماعی آن دارای استعداد فراوانی برای تحقیق و آموزش در سطوح و مقاطع تحصیلات تکمیلی دانشگاهها و حوزه‌های علمیه است و مقالات منتخب می‌توانند در حکم نمونه‌هایی از کارهای مناسب و مفید پژوهشی محسوب شوند و زمینه‌هایی را برای مطالعات بعدی علاقه‌مندان تدارک ببینند.

مطالب کتاب *گستره اقتصاد اسلامی* از آنچه تحت عنوان «اقتصاد اسلام» ارائه شده‌اند مجزا و جداگانه است و ما ترجیح داده‌ایم موضوع به کارگیری نظریه‌های اقتصادی متعارف در مفاهیم و رفتارهای دینی و اسلامی، در قالب و عنوان «اقتصاد اسلام» و البته نه در این مجموعه، مطالعه شود.

با توجه به تنوع قابل‌تقدیری که در پژوهشها و مکتوبات اقتصاد اسلامی وجود دارد و با عنایت به ضرورت داشتن متون درسی کمتر برخوردار از رویکردهای متراحم و در عین حال لزوم فراهم کردن مجاری مناسبی برای رسیدن تلقیهای مختلف به دانشجویان و همچنین به منظور تقویت متون درسی، این‌گونه به نظر

می‌رسد که شاید در مقاطع تحصیلات تکمیلی باید جریاناتی از اندیشه‌های متفاوت را بر روی دانشجویان گشود و به آنها فرصت داد تا ضمن آشنایی با این مطالب به گستره و عمق ادبیاتی که تولید شده یا موضوعاتی که قابل تحقیق و تولید شدن است وقوف و آگاهی یابند و از این طریق انگیزه‌ها و جهت‌های لازم را برای تقویت مطالعات فعلی توسط خودشان استنباط نمایند. وارد کردن دانشجویان به عرصه‌های باز و گشوده معرفتی در موضوعات مختلفی که در فضای اقتصاد اسلامی وجود دارد در حقیقت دادن قدرت مانور و انعطاف و نوآوری و پژوهش در اقتصاد اسلامی است که می‌تواند منشأ تحولات ژرف در سالها و دهه‌های آتی شود و از پیامد آن متخصصان و اندیشمندانی تربیت شوند که نهال نوپای اقتصاد اسلامی را هم تقویت و آبیاری و هم پالایش نمایند.

کتاب *گستره اقتصاد اسلامی* با همین اهداف آماده شده است. اینجانب کوشیده‌ام ثمره سالهای طولانی تدریس «موضوعات انتخابی در اقتصاد اسلامی» را در دوره‌های متوالی کارشناسی ارشد در دانشگاه تهران در قالب کتابی بریزم که حاوی ویژگیهای ذیل باشد:

۱. مطالب کتاب صرفاً به یک یا چند نفر از نویسندگان معطوف نشود و حاصل کوششهای تعداد نسبتاً زیادی را دربر بگیرد.
۲. از بین موضوعات مشترک تلاش شود مقاله یا مطالبی انتخاب، گزینش، حذف یا اضافه شده و در یک زنجیره منطقی از مباحث بیاید که حاوی مطالب عمده‌تر و محققانه‌تری در موضوع باشد و بدیهی است این به معنای تحقیقی نبودن آنچه در اینجا گزینش نشده نیست.
۳. مجموعه ادبیات موجود در هفت بخش عمده با عناوین: در جست‌وجوی رویکردی دیگر، ماهیت اقتصاد اسلامی و روش‌شناسی آن، اخلاق و اقتصاد، توسعه و اسلام، بررسی مقایسه‌ای بهره و ربا، پول و بانکداری اسلامی و مالیه و تأمین اجتماعی، پس از دخل و تصرف اندک ولی لازم آورده شود. به گونه‌ای که حاصل کار را بتوان *گستره اقتصاد اسلامی* نامید، کوشیده‌ایم که از عمده مطالبی که تاکنون در ادبیات اقتصاد اسلامی تحقیق و پژوهش شده محوری یا نشانه‌ای را در این کتاب

به عنوان صرفاً علامت یا نماینده‌ای از مطالب بسیار این حوزه ذکر کنیم و هدف، صرفاً آشنا شدن دانشجویان با نمونه‌ای از کارها در موضوعات مشخص اقتصاد اسلامی بوده است.

اگر گستره اقتصاد اسلامی بتواند به محققان و دانشجویان و طلاب این معرفت این پیام را برساند که امروز چشم‌اندازها و مناظر عمده‌ای ذیل عبارت اقتصاد اسلامی وجود دارد که در بخشهای عمده این کتاب مذکور است و جا دارد محققان محترم به جای آموزش و تحقیق در اقتصاد اسلامی به طور مشخص‌تر و تخصصی‌تر ضرورت پژوهش در عناوین و بخشهای معین‌شده را یادآور شوند، به رسالت خود نائل شده است. گستره اقتصاد اسلامی تلاش دارد ظرفی حاوی صرفاً نمونه‌هایی از پژوهشها در اقتصاد اسلامی باشد و البته ظرفی که از همه موضوعاتی که تاکنون به نحوی مورد بررسی قرار گرفته و در طبقه‌بندیهای موجود جایابی شده‌اند نمونه‌ای در آن وجود دارد. گستره اقتصاد اسلامی صرفاً یک چشم‌انداز است و بر آن است تا قلبهای پردغدغه علاقه‌مندان را به ارتقای رویکرد دیگری در دانش اقتصاد که معطوف به دین مبین اسلام است امیدوار کند.

۴. نقش اینجانب در فراهم آوردن این مجموعه پس از اجازه گرفتن از کسانی که مطالبشان را انتخاب و مورد استفاده قرار داده‌ام و ویراستاری علمی مطالب بوده است بدین ترتیب که با مطالعه دقیق مطالب و کتب و انتشاراتی که در زمینه‌های مختلف اقتصاد اسلامی وجود داشته است و شکل دادن طبقه‌بندی‌ای که حاصل سالها تدریس و تمرین است، مقالات و مطالب مفید را برای ساختار هر یک از آن طبقه‌بندیها گزینش کرده و مطالب تکراری را حذف و مطالبی را که ضرورت ایجاد می‌کرده، افزوده‌ام و عناوین مقالات و کتبی که مطالب ذی‌ربط را منتشر کرده‌اند اضافه کرده‌ام. تلاش کرده‌ام یک کتاب درسی مفید برای دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد اقتصاد برای درس «موضوعات انتخابی در اقتصاد اسلامی» فراهم آورم. امید که کاستیهای متصور در احاطه اینجانب بر همه مطالب منتشر شده و گزینش برخی از آنها و ارجاع و توصیه به مطالعه برخی دیگر، حداقل مطالب و مقالات مفید مذکور نیفتاده را در این مجموعه رقم زده باشد. مقوله‌ای که ضمن

عذرخواهی از محققان محترم اقتصاد اسلامی جای جبران آن در چاپهای بعدی محفوظ و عملیاتی است. ضمن اینکه باید از محققان و اساتید محترمی که از مطالبشان استفاده کرده‌ام از حیث کاستیهایی که احتمالاً در حذف یا اضافه کردن به مطالبشان و یا تلخیص آنها ذهنشان را بیازارد عذرخواهی کنم و با عنایت به این موارد مسئولیت کاستیهای این مجموعه با اینکه به نام پدیدآورندگان اصلی آن منتشر شده بر عهده اینجانب است.

بر اینجانب فرض است از عنایت و اجازت و مرحمت کلیه اساتید محترم و محققان ارزشمند و ناشران کتب و مقالات و مجلاتی که اثرشان و نامشان در گستره *اقتصاد اسلامی* آمده است تشکر، قدردانی و سپاسگزاری کنم و متذکر شوم که اهتمام من در به رشته کشیدن آن حلقه‌های ارزشمند و مباحث عالمانه صرفاً با حضور و تولید حلقه‌ها به سرانجام می‌رسید و اگر اولیها نبودند چنین کاری هم متصور نبود لذا این اثر در حقیقت از آن همه پدیدآورندگان محترم مذکور در این کتاب است و ان شاء الله آنان در ترویج معارف اقتصادی اسلام مأجور هستند.

شاید خالی از فایده نباشد که یادآور شوم در بعضی از دانشگاههای دنیا و به خصوص در موضوعاتی که جدید یا دارای مطالب بحث‌انگیز و مورد مباحثه است نوشتن کتابهای درسی که مطالب آن از مقالات مرتبط نویسندگان و اساتید محترم فراهم آمده باشد تحت عنوان Hand book یا عناوین دیگر متعارف و مرسوم است و گستره *اقتصاد اسلامی* هم در واقع با الگوبرداری از همان سبک و سیاق آماده شده است. امیدوارم در سالهایی نه‌چندان دور، حتی در شاخه‌های فرعی هر یک از موضوعات مذکور در این کتاب آن قدر کتاب و مقاله و تحقیق مستقل داشته باشیم که کار تدارک Hand bookهای دیگر را برای کسانی که می‌خواهند گامهای بعدی این نخستین گام را بردارند از سهولت بیشتری برخوردار سازد.

حسن سبحانی

دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران

آبان‌ماه ۱۳۹۰